پرونده
پرورش مهارت نرم دانش آموزان

عیسا گویندی

معلم تحلیل نکن به تحلیل دانش آموز گوش کن!

تغییر رویکرد شیوه‌های آموزشی در گفت‌وگوی «جوان» با معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش

متأسفانه شیوه غلط آموزشی و شیوه تدریس رایج در مدارس به خصوص در مقطع ابتدایی، زمینه‌ساز مشکلات دیگر در دوران تحصیلی بعدی شده است. هر چند طی سالیان متمادی کتب تغییراتی کرده اما هیچ کدام از این تغییرات در جهت آماده‌کردن دانش‌آموز برای داشتن آینده‌ای بهتر نبوده است. بد تر اینکه کمتر توجهی به مهارت هم‌فکری، همکاری و انجام کارهای نیمی دانش آموز با سایر هم‌سالانش شده؛ موضوعی که اخیرا در یک پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و بر آن تأکید شده است. معصومه نجفی بازوکی، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش می‌گوید که رویکردش همسو با همین پژوهش‌های انجام شده است و تمام تلاش خود را در جهت تغییر و تحول شیوه آموزش در مدارس ابتدایی به کار گرفته است. او می‌گوید که بارها و بارها به معلمان گفته است هر کجا که دیدند در کلاس درس زیاد صحبت کرده‌اند، یعنی مسیر را غلط رفته‌اند. «جوان» در این زمینه با او گفت‌وگو کرده است.

باید معلمان ابتدایی موقعیت‌های یادگیری را تنظیم کنند و بچه‌ها را گروه گروه در موقعیت یادگیری قرار دهند. آن وقت خود دانش آموزان با هم افزایی باید مفاهیم را کشف کنند و آن را در ذهن‌شان بسازند. در چنین شرایطی کافی است معلم در میان دانش آموزان قدم بزند و حل مسئله آنها را ببیند

چقدر زمان می‌برد که تمام معلمان آموزش ببینند تا دیگر باروش حفظ‌محوری تدریس نکنند و چه زمانی شاهد آن خواهیم بود که تمام مدارس از آموزش یادگیری فاصله گیرند؟ شما برای تسریع تحقق این اهداف چه برنامه‌ای دارید؟

این کار زیرساخت عظیمی می‌طلبد، باید صبوری کرد چرا که این اتفاق، اتفاق بزرگی است. ما طی یک سال نمی‌توان کلیشه‌های رسوب کرده در آموزش ابتدایی را عوض کرد و تحول آن نیاز به زمان دارد. شاید اگر بدین باشیم، باید بگویم صبر کنید معلمان جدیدی که خروجی دانشگاه فرهنگیان هستند، بیایند و همه معلمان جای شوند، اما در این سال‌ها دانش آموزان زیادی در گیر مشکلات آموزشی می‌شوند و آسیب می‌بینند، بنابراین همه ظرفیت گروه‌های آموزش را به کار گرفته‌ایم تا به این کار سرعت دهیم. برای همین است که ۱۵۰ هزار معلم را آموزش می‌دهیم و آنها را شبکه‌سازی کرده‌ایم؛ به اینکه فقط دوره ۶ ساعته بگذاریم و بعد همه چیز تمام شود، نه، گفتمان آموزشی مستمر ایجاد کرده‌ایم. این استمرار و جریان دائم نیاز به پایش و مراقبت دارد. در مسأله مدارس والدین از دانش‌آموز ابتدایی که کنار بچه‌های‌شان هستند و همراهی‌شان می‌کنند، ما نیز کنار معلمان دوره ابتدایی هستیم و همراهی‌شان می‌کنیم. این اتفاقی که شما از آن صحبت می‌کنید، برای خود ما دغدغه است و دل‌مان می‌خواهد زودتر به نتیجه برسد.

دغدغه‌مندی شما به خوشحالی است، اما به نتیجه رسیدن این اقدامات اهمیت زیادی دارد. برای حذف آموزش کلیشه‌ای و حفظ‌محور چطوری باید عمل کرد؟

سال گذشته که به معاونت ابتدایی آموزش‌وپرورش آمدم، شعارم این بود که میز معلم را از اتاق و اقسام خطوطی خالی خواهم کرد. می‌دانستم که معلمان در گیر کتاب و کارهایی می‌شوند که فرصتی برای خلاقیت ندارند. از همان سال گذشته برای بالادرن کیفیت ارائه راه رسیدن به یک نسبت به روش تدریس و طرائق آموزش و موفقیت یادگیری ایجاد شود، برنامه داشتم و اقداماتی را که در سؤالات فیلی راجع به آن صحبت کردم، انجام دادم. در این مسیر که شاید بتوان گفت ۴۰ درصد از طی شده، موفقیت‌هایی نیز کسب شده است. اگر حمایت همه نهادها و ظرفیت‌ها پای این کار بیاید، طی دو تا سه سال آینده تحول آموزش در مقاطع ابتدایی به خوبی نمایان می‌شود و به اهدافی که در سر داریم، خواهیم رسید.

موانع کار در این مسیر چه بوده است؟

همه می‌گویند «آموزش ابتدایی» فونداسیون آموزش است و اصلا باید همه مقاطع اعلام می‌شود، اما در عمل حمایت جدی از آن نمی‌شود. شاید اگر صبر می‌کردم تا یک بدنه ابتدایی را در پایه و بارها و بارها بر آن تأکید کرده است اما متأسفانه نگاه جامعه اینگونه نیست. همه فکر می‌کنند مقطع متوسطه اهمیت بیشتری دارد، معلمان هم تمایل دارند در مقطع متوسطه بمانند و شاید یک دلیلش این است که امکانات متوسطه فراهم‌تر است. در واقع در ظاهر می‌گویم آموزش ابتدایی مهم است اما در باطن آن را باور نکرده‌ایم. یکی از عواملی که باعث موفقیت جدی در این زمینه می‌شود، کتابخانه کلاسی است. به منظور تحقق اهداف دوره ابتدایی غنی‌سازی و به‌روزرسانی کتابخانه‌های کلاسی را در دستور کار قرار دادیم. این کار با رویکرد نوین علمی و تلفیق مطالعه با طراحی در سطوح کمی به اساس شاخص‌های تعلیم‌وتربیت سند تحول بنیادین انجام شد؛ اینکه گوشه کلاس به کتابخانه تبدیل شود تا معلم کتاب را برای بچه‌ها بخواند و بعد از آنها بخواهد که داستان را برای سایر بچه‌ها تعریف کنند و راجع به آن توضیح دهند یا مثلا دانش آموز دوم ابتدایی، نمایش را اجرا کنند. در این زمینه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ارزشمند است می‌تواند نقش مهم و مؤثری در این جریان داشته باشد. این یک اتفاق است که باید همه نهادها و ظرفیت‌ها در مسأله ابتدایی آموزش و پرورش همراه شوند. باید صبورانه پای این اتفاق و تحول بمانیم تا آموزش ابتدایی را از این شیوه‌های کلیشه‌ای جدا کنیم. برای این امر نیز راهکارهای زیادی وجود دارد که در جوصله به بحث می‌آمد اما نمی‌گنجد، اما خوشبختانه در حال حاضر حرکتی در کل کشور ایجاد شده که تداوم آن شرایط را بهتر خواهد کرد.

چقدر زمان می‌برد که تمام معلمان آموزش ببینند تا دیگر باروش حفظ‌محوری تدریس نکنند و چه زمانی شاهد آن خواهیم بود که تمام مدارس از آموزش یادگیری فاصله گیرند؟ شما برای تسریع تحقق این اهداف چه برنامه‌ای دارید؟

این کار زیرساخت عظیمی می‌طلبد، باید صبوری کرد چرا که این اتفاق، اتفاق بزرگی است. ما طی یک سال نمی‌توان کلیشه‌های رسوب کرده در آموزش ابتدایی را عوض کرد و تحول آن نیاز به زمان دارد. شاید اگر بدین باشیم، باید بگوییم صبر کنید معلمان جدیدی که خروجی دانشگاه فرهنگیان هستند، بیایند و همه معلمان جای شوند، اما در این سال‌ها دانش آموزان زیادی در گیر مشکلات آموزشی می‌شوند و آسیب می‌بینند، بنابراین همه ظرفیت گروه‌های آموزش را به کار گرفته‌ایم تا به این کار سرعت دهیم. برای همین است که ۱۵۰ هزار معلم را آموزش می‌دهیم و آنها را شبکه‌سازی کرده‌ایم؛ به اینکه فقط دوره ۶ ساعته بگذاریم و بعد همه چیز تمام شود، نه، گفتمان آموزشی مستمر ایجاد کرده‌ایم. این استمرار و جریان دائم نیاز به پایش و مراقبت دارد. در مسأله مدارس والدین از دانش‌آموز ابتدایی که کنار بچه‌های‌شان هستند و همراهی‌شان می‌کنند، ما نیز کنار معلمان دوره ابتدایی هستیم و همراهی‌شان می‌کنیم. این اتفاقی که شما از آن صحبت می‌کنید، برای خود ما دغدغه است و دل‌مان می‌خواهد زودتر به نتیجه برسد.

دغدغه‌مندی شما به خوشحالی است، اما به نتیجه رسیدن این اقدامات اهمیت زیادی دارد. برای حذف آموزش‌های کلیشه‌ای و حفظ‌محور چطوری باید عمل کرد؟

سال گذشته که به معاونت ابتدایی آموزش‌وپرورش آمدم، شعارم این بود که میز معلم را از اتاق و اقسام خطوطی خالی خواهم کرد. می‌دانستم که معلمان در گیر کتاب و کارهایی می‌شوند که فرصتی برای خلاقیت ندارند. از همان سال گذشته برای بالادرن کیفیت ارائه راه رسیدن به یک نسبت به روش تدریس و طرائق آموزش و موفقیت یادگیری ایجاد شود، برنامه داشتم و اقداماتی را که در سؤالات فیلی راجع به آن صحبت کردم، انجام دادم. در این مسیر که شاید بتوان گفت ۴۰ درصد از طی شده، موفقیت‌هایی نیز کسب شده است. اگر حمایت همه نهادها و ظرفیت‌ها پای این کار بیاید، طی دو تا سه سال آینده تحول آموزش در مقاطع ابتدایی به خوبی نمایان می‌شود و به اهدافی که در سر داریم، خواهیم رسید.

موانع کار در این مسیر چه بوده است؟

همه می‌گویند «آموزش ابتدایی» فونداسیون آموزش است و اصلا باید همه مقاطع اعلام می‌شود، اما در عمل حمایت جدی از آن نمی‌شود. شاید اگر صبر می‌کردم تا یک بدنه ابتدایی را در پایه و بارها و بارها بر آن تأکید کرده است اما متأسفانه نگاه جامعه اینگونه نیست. همه فکر می‌کنند مقطع متوسطه اهمیت بیشتری دارد، معلمان هم تمایل دارند در مقطع متوسطه بمانند و شاید یک دلیلش این است که امکانات متوسطه فراهم‌تر است. در واقع در ظاهر می‌گویم آموزش ابتدایی مهم است اما در باطن آن را باور نکرده‌ایم. یکی از عواملی که باعث موفقیت جدی در این زمینه می‌شود، کتابخانه کلاسی است. به منظور تحقق اهداف دوره ابتدایی غنی‌سازی و به‌روزرسانی کتابخانه‌های کلاسی را در دستور کار قرار دادیم. این کار با رویکرد نوین علمی و تلفیق مطالعه با طراحی در سطوح کمی به اساس شاخص‌های تعلیم‌وتربیت سند تحول بنیادین انجام شد؛ اینکه گوشه کلاس به کتابخانه تبدیل شود تا معلم کتاب را برای بچه‌ها بخواند و بعد از آنها بخواهد که داستان را برای سایر بچه‌ها تعریف کنند و راجع به آن توضیح دهند یا مثلا دانش آموز دوم ابتدایی، نمایش را اجرا کنند. در این زمینه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور ارزشمند است می‌تواند نقش مهم و مؤثری در این جریان داشته باشد. این یک اتفاق است که باید همه نهادها و ظرفیت‌ها در مسأله ابتدایی آموزش و پرورش همراه شوند. باید صبورانه پای این اتفاق و تحول بمانیم تا آموزش ابتدایی را از این شیوه‌های کلیشه‌ای جدا کنیم. برای این امر نیز راهکارهای زیادی وجود دارد که در جوصله به بحث می‌آمد اما نمی‌گنجد، اما خوشبختانه در حال حاضر حرکتی در کل کشور ایجاد شده که تداوم آن شرایط را بهتر خواهد کرد.

همیشه به معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها گفته‌ایم رویکرد آموزش ابتدایی باید متحول شود. فضای ابتدایی دوره‌ای نیست که با حافظه‌محوری و سخنرانی معلم به موفقیت برسد. اینکه معلم کنار تخته بایستد و یک موضوع را چند بار برای بچه‌ها تکرار کند، درست نیست

اخیراً مقاله‌ای در نشریه «مهارت‌های فکری و خلاقیت» نشانه شده و شیوه‌های تدریس رایج در مدارس را مورد انتقاد قرار داده است. در این پژوهش آمده که «۷۰ درصد ۸۴ ماه ابتدایه کـرد». معلمان با کمک‌گرفتن از آموزش نمایشی و با شـرکت‌دادن دانش‌آموزان در کارگاه‌های کار گروهـی، نشـان دادند شـرکت در فعالیت‌های عملـی، بحث‌ها و انجام کارهای تیمی معطوف به حل مسائل، اثرات مثبتی در افزایش خلاقیت گروهی و به‌ویژه دانش‌آموزان دارد. نظر شما در رابطه با این پژوهش انجام‌شده چیست؟ آیا برنامه‌های برای جدا کردن دانش‌آموزان از حفظی‌محوربودن و همچنین مهارت‌آموزی و درگیر کردن آنها با فعالیت‌های تیمی دارید؟

ممنون از اینکه به وضعیت آموزش ابتدایی کشور توجه دارید. خوشحالم که برای ما پژوهش‌ها را می‌فرستید و می‌گویید وضع موجود مدرسه را نگاه کنید که تا وضع مطلوب چقـدر فاصله دارد و نسبت به آن هـم دغدغه دارید. خوشبختانه نگاه‌مان به این موضوع کیفی است و این خیلی ارزشمند است. عمدتاً وقتی نشست خبری می‌بینیم که رسانه‌ها و همان ارقام و اعداد تکرار می‌شود، همیشه به دوسـتان رسـانه گفته‌ام که کمک کنید تا بحث اتفـاق بیفتد نه تظاهر. رسانه‌ها در آموزش ابتدایی ما از این شرایط سنتی و کلیشه‌ای که سال‌ها در گیرش بوده است جدا شود، اینکه ما آنها را مدیون آموزش را به روش جدید کنند که چون تعداد‌شان زیاد است، همه ساکت بنشینند و کار گروهی انجام ندهند. فضای اصلی ما این است که این سازوکار نهادینه شده در کلاس‌های درس را هم بزنیم. حرف‌مان در نشست است یا مباحثه حواس‌مان باشد که برای راهبری آموزش ابتدایی دچار روزمرگی نشـویم و به آن توجه ویژه داشته باشیم. حقیقتاً این پژوهش انجام‌شده، مقاله ما برای تغییرات در آموزش ابتدایی است. من دائم در برنامه‌های نگاتی را مورد توجه دارم و همیشه به معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها نیز گفته‌ام که رویکرد آموزش ابتدایی باید متحول شود. فضای ابتدایی دوره‌ای نیسـت که با حافظه‌محوری و سـخنرانی معلم به موفقیت برسـد. اینکه معلم کنار تخته بایسـتد و یک موضـوع را چند بار برای بچه‌ها تکرار کنـد، درست نیست. من دائما به معاونان می‌گویم که در جـا جـا دیدید زیاد صحبـت کردید، بدانید مسیر را غلط رفته‌اید. باید ابتدایی گفته‌ام که باید کلیه دروس کلاس را به شیوه‌های یادگیری گروهـی‌بدون کلاس‌بودن و با استفاده از کتابخانه‌های کلاسی و با رابطه بـا این موضوع که در دوره ابتدایی آموزش باید مفاهیم را تنظیم کنند و بچه‌ها را گروه گروه در موقعیت یادگیری قرار دهند. آن وقت خود دانش‌آموزان با هم‌افزایی باید مفاهیم را کشف کنند و آن را در ذهن‌شان بسازند. در چنین شرایطی کافی است معلم در میان دانش‌آموزان قدم بزند و حل مسئله آنها را ببیند.

پیش گرفته‌ایم. امسال اجرای طرح تحول کیفیت آموزش در مقاطع ابتدایی با عنوان «۵هزار صد» از معلمان ابتدایی که ۱۵۰ هزار نفر هستند، شروع شده است. به آنها گفتیم که روش‌های فعال یادگیری را تمرین کنند و بارها و بارها به رویکرد آموزش آنها متفاوت باشد تا بتوانند مفاهیم درس مترتب در زمینه ابتدایی‌سـنی کودکان رقنیم و از آنها خواستیم با کلمات هدف کتاب فارسـی، داسـتان‌های را بنویسـند. حالا این کتاب‌های داسـتان، بخشی از هدف تیمی کارگردن دانش‌آموزان و به تحلیل و نقد واداشتن

همیشه به معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها گفته‌ام رویکرد آموزش ابتدایی باید متحول شود. فضای ابتدایی دوره‌ای نیسـت که با حافظه‌محوری و سـخنرانی معلم به موفقیت برسـد. اینکه معلم کنار تخته بایستد و یک موضوع را چند بار برای بچه‌ها تکرار کند، درست نیست

اینکه یک سـناریوی آموزشـی طراحی کنیم و مثلاً بگوییم معلمان طبق کتاب درسـی به فلان نشـانه «۱ه و ۲ه» را آموزش می‌دهنـد و کلمات هدف‌شـان هم «آب» و «آتش» و «باران» اسـت، موفقیت یادگیری را با کتاب‌های داسـتان فراهم کنند، بنابراین سراغ افراد متبحر در زمینه داسـتان‌نویسـی کودکان رفتیم و از آنها خواسـتیم با کلمات هدف کتاب فارسـی، داسـتان‌های را بنویسـند. حالا این کتاب‌های داسـتان، بخشـی از هدف تیمی کارگردن دانش‌آموزان و به تحلیل و نقد واداشتن

آنها را محقق کرده است. چرا که به معلمان گفتیم بچه‌ها را گروه‌بندی کنید و به گروه کوچک‌تر بدهید تا از روی‌ها بزنند، تصاویر را ببینند و از طبیعت داسـتان بسـازند. به مرور زمان و وقتی‌که که جلوتر می‌رفتیم، معلم باید آنها را در گیر کارت بازی مرتبط با کتاب‌های‌شان کند تا بچه‌ها با بازی، آموزش ببینند.

معلمان چقـدر در ایـن زمینـه موفق عمل کردند؟

فیلم‌های آموزشـی منتشرشده از سـوی معلمان نشان می‌دهد این شـیوه آموزش، تغییرات خوبی را در روند تدریس آنهـا ایجاد کرده اسـت. حتی بسـاری تعدادی از دوراندادنی‌ین کلاس‌ها نیز این بسـته‌های آموزشـی را فرسـتادیم و خوشـبختانه از آنها استفاده کنند. ما گفتـه که به سـیستان‌وبلوچسـتان رفته بودم، در منطقه دشـتیاری که محروم‌ترین منطقه این اسـتان اسـت، دیدم که این بسـته در کلاس اول مورد اسـتفاده قرار گرفته است. به نظر من حتی اگر معلم ۴۰ درصد این بسته را هم اسـتفاده کرده باشد، بعدی بحثی از هدفی که به دنبالش هسـتیم، محقق شده است. بنابراین کاری که اگر انجام می‌دهیم، به دور از شـواف و تملق تحولی را رقم زده اسـت، منتها برای بهتر شـدن شـرایط باید همه نهادها و ظرفیت‌ها به کار گرفته شود.

شما برای ۱۵۰هزار معلم دوره‌های آموزشی برگزار کردید، آن هم در پایه اول ابتدایی، پس باقی معلمان چه زمانی قرار است روند آموزشی خود را تغییر دهند؟

اجرای طرح تحول بهت هست از جمله طرح‌های سـاز خوبی بود که با هدف اسـموزی معلمـان مـدارس ابتدایی در ۳۱ شهرسـتان و منطقـه در قالب طرح توانمنـدسـازی معلمان برگزار شده اسـت. همانطور که در سـؤالات قبلی اشـاره کردم، در حال حاضر ۱۵۰ هزار معلم را آموزش می‌دهیم و آنها را شبکه‌سـازی می‌کنیم. به صورت مداوم در سـامانه می‌بینیم که مثلا در فلان منطقه از کشور که معلمان، شـبکه شـدند، چه کارهایی انجام می‌دهند؟ ما در سـامانه می‌بینیم که ۱۰۰ هزار معلم در شـبکه شـده و آموزش‌ها را دریافـت کرده‌اند، دیگر خوشـان طراحی یادگیری آموزش» می‌کنند. هدف این اسـت که معلمان از همدیگر یاد بگیرند و برای تحویل کیفیت

۱۵۰ هزار معلم را آموزش داده و آنها را شبکه‌سازی کرده‌ایم. وقتی مثلا ۱۰ نفر از معلمان شبکه شده و آموزش‌ها را دریافت کرده‌اند، دیگر خودشان «طراحی یادگیری آموزش» می‌کنند. هدف این است که معلمان از همدیگر یاد بگیرند و برای تحویل کیفیت آموزش قدم بردارند. باید صبورانه پای این اتفاق و تحول بمانیم تا آموزش ابتدایی را از این شیوه‌های کلیشه‌ای جدا کنیم

زیر ذره‌بین

تباهی آینده دانش آموزان با کلاس‌های خشک و بی‌روح

دانش آموزان دست به سـینه نشسـته‌اند و نگاه‌شان به سـمت معلم اسـت. هیچ‌کس اجازه حرف زدن یا بغل‌دسـتی‌اش را ندارد. انگار مثل یک مجسمه روی نیمکت، خشک‌شان زده است. زمان برای‌شان دیر می‌گذرد و می‌خواهند هر طور و به هر بهانه‌ای که شده است از این کلاس خشک و بی‌روح بیرون بروند. معلم روبه‌روی‌شان ایسـتاده و با لحن جدی، آنها را زیر بمباران درسی قرار می‌دهد. دانش‌آموزان نه از روی علاقه بلکه از ترس به حرف‌های معلم گوش می‌دهند، اما بدون شک شـنداتگ حواس‌شان به این است که زنگ تفریح یا زنگ آخر بخورد و از این شرایطی که در آن گیر افتاده‌اند، فرار کنند. شاید برای همین است که با صدای زنگ تفریح، صدای ذوق و خوشحالی بچه‌ها در کل ساختمان مدرسه شـنیده می‌شود. دانش‌آموز، بازی و فعالیت می‌خواهد، به خاطر همین علاقه‌ای به کلاس درس جدی و بخزده‌اش ندارد. او احسـاس می‌کند در کلاس محبوس شده و برایش سخت است زمان زیادی را بدون تحرک بماند. این شیوه غلط آموزش سر آغاز تباهی آینده دانش‌آموز می‌شود.

پرورش مهارت‌های نرم کودکان امر ناگزیر امروز ماست

لزوم تغییر سیاست‌های آموزش و پرورش در گفت‌وگوی «جوان» با مدیر مسئول مؤسسه فرهنگی «دکسا»

بارها این صحنه را که معلم، والد یا جامعه از ادبیات محاوره یا سطح گفتمانی یا اطلاعات کودک یا نوجوان شگفت‌زده شده‌اند، تجربه کرده و دیده‌ایم. تأثیر فضای مجازی احتمالاً از تأثیر صنعت چاپ در قرن ۱۹ به نظر می‌رسد بیشتر است و ما را با مسائلی جدید مواجه کرده است که تا پیش از آن مواجه نبوده‌ایم، بنابراین مجبوریم در خصوص همه ساختارها، فرایندها و منابع به سرعت بازاندیشی و بازنگری کنیم

آموزش و یادگیری انسـان از همـان بدو تولـد، آغاز می‌شـود. اگر این آموزش هدفمند باشد و به گونه‌ای انجام شود که فرد را در جهت تقویت مهارت‌های نرم هدایت کند، او توانمند می‌شود و در تمام مسیر زندگی خود موفق‌تر عمـل می‌کند. پژوهش‌های انجام‌شـده نشـان می‌دهند ۸۵ درصد از موفقیت‌های شـغلی ناشـی از مهارت‌های نرم هسـتند و مهارت‌های فنی سـخت تنهـا تا ۱۵ درصـد موفقیت شـغلی را تضمین می‌کنند. از سـوی دیگـر، در آینده نزدیـک و به ویژه بـا تکامل هوش مصنوعی، مهارت‌های نرم از اهمیت بیشـتری برخوردار می‌شـوند، اما منظور از مهارت‌های نرم چیسـت؟ چطور باید این مهـارت به کودکان آموزش داده شـود؟ نقش آموزش‌وپرورش در این زمینه چیست؟ اینها بخشی از سؤالاتی اسـت که برای پاسخ به آن سـراغ میلاد حسینیان، مدیرمسئول مؤسسه فرهنگی دکسا رفته‌ایم؛ مؤسسه‌ای که بخشی از فعالیت‌های آن مربوط به آموزش با هدف افزایش انعطاف‌پذیری شناختی و تمرکز بر پرورش مهارت‌های نرم به خصوص برای کودکان است.

شما گفتید که مهارت‌های نرم، دقیقاً منظورتان چیست و چه چیزی در جامعه مشاهده کردید که به سمت تمرکز بر پروش این مهارت رفته‌اید؟

نخست لازم اسـت عرض‌مان به حضرتعالی، جایگاه و اهمیت موضوع مهارت‌های نرم را بیان کنم. بیرون‌آوردن مباحث عمیقانه این باور برسـیم که در دنیای امروز دیگر صرفا دانسـت اصلا کافی نیسـت و ما باید نکات کلیدی تر مواجه شویم که مهارت‌های نرم‌مان را مهارت‌های نرم می‌آن ارتقاء مشـخص شـتن کارهاد در آن دوران است و احتمالا دانسـت، راه به جایی نمی‌برد. این تعامل فقط با دسوسیه تعریف شود. ضروری اسـت واقع‌بینانه و نه بدبینانه عملکرد خود را رصد کنیم؛ اینتایج مهارت‌های ما در مدارس، جایگاه و اهمیت خودم را نوشـته اسـت برای مخاطب خود مشـخص کند؟ یا تواندندی اجتماعی ما خوب شکل گرفته اسـت؟ چقدر مفهوم مسـئولیت اجتماعی در این ساختار درست کار می‌کند؟ یکی از مشـکلات کشـور، تعیین‌ارث در جهان بسـیار زیاد شده اسـت. در مشـاغل و سـازمان‌های کوچک یا خاص هم گفتم که اجتماعی از عمل چیسـت؟ چقدر با آنچه در مرزهای ملی می‌گذرد، نزدیک اسـت؟ این فهرسـت سـؤالات گفتمانی اسـت و هر کدام عمق خاص خود را دارد و بنی بازمی‌گردم به پرسش اول شما. بهتر اسـت حداقل فعلا این را بپرسید که چه کارهایی برای کودکان و نوجوانان انجام شده است؟ در واپنج این پرسـش فهرسـتی طولانی می‌توان ارائه کرد. به طور مثال اینجا سوخت و حرارت در انتقال اطلاعات خلاصه کرد. نباید از مهارت در منطق دخشف از غافل شد. چه بسا ناولویت مهم‌تر باشد. دوسه قدمه گفته نمی‌کرد‌ار نیسـت. ارزش گذاری بیش از حد برای نظم و یکسـان‌شدن از مواردی اسـت که به سرعت در خصوص آن باید بازنگری کرد و به این باور رسید که جامعه با پذیرش تفاوت‌ها می‌تواند باشد شود. در جامعه‌ای که همه شـبیه هم باشـند، لباس‌ها، خیابان‌ها و از همه مهم‌تر آدم‌ها و ارزش‌گذاری‌های شان شـبیه هم باشـند، پویایی نخواهد بود. به لحاظ فیزیکی نیز محیط مدرسـه و کلاس نباید مانند گذشته باشد و ضروری اسـت تغییر کند. وقتی صحبت از تکنولوژی می‌شود، سـریع به دنبال سـخت‌افزار، پروجکشن و کامپیوتر می‌روند، اما بازی، مهم‌ترین مهارت‌های زندگی، بسـیار مهم‌ترند. مهارت‌های نرم‌مان نیز مهم‌تر از همین چیزها هسـتند که باید به آنها توجه شود. دراین میان آنچه از نظر بنده بیش از هر چیز دیگری فری ضروری به نظر می‌رسد، پرورش مهارت‌های نرم است.

ارزش گذاری بیش از حد برای نظم و یکسان‌شدن از مواردی است که به سرعت در خصوص آن باید بازنگری کرد و به این باور رسید که جامعه با پذیرش تفاوت‌ها می‌تواند باشد شود. در جامعه‌ای که همه شبیه هم باشند، لباس‌ها، خیابان‌ها و از همه مهم‌تر آدم‌ها و ارزش‌گذاری‌های شان شبیه هم باشند، پویایی نخواهد بود. به لحاظ فیزیکی نیز محیط مدرسه و کلاس نباید مانند گذشته باشد و ضروری است تغییر کند

چه چیزی به سمت تمرکز بر پروش این مهارت رفته‌اید؟

بیردرآیم. ما باید عمیقانه این باور برسیم که در دنیای امروز دیگر صرفا دانسـت اصلا کافی نیسـت و باید نکات کلیدی‌تر مواجه شویم که مهارت‌های نرم‌مان از ارتقاء مشـخص‌شـتن کارهاد در آن دوران است و احتمالا دانسـت، راه به جایی نمی‌برد. این تعامل فقط با دسوسیه تعریف شود. ضروری اسـت واقع‌بینانه و نه بدبینانه عملکرد خود را رصد کنیم؛ اینتایج مهارت‌های ما در مدارس، جایگاه و اهمیت خودم را نوشـته اسـت برای مخاطب خود مشـخص کند؟ یا تواندندی اجتماعی ما خوب شکل گرفته اسـت؟ چقدر مفهوم مسـئولیت اجتماعی در این ساختار درست کار می‌کند؟ یکی از مشـکلات کشـور، تعیین‌ارث در جهان بسـیار زیاد شده اسـت. در مشـاغل و سـازمان‌های کوچک یا خاص هم گفتم که اجتماعی از عمل چیسـت؟ چقدر با آنچه در مرزهای ملی می‌گذرد، نزدیک اسـت؟ این فهرسـت سـؤالات گفتمانی اسـت و هر کدام عمق خاص خود را دارد و بنی بازمی‌گردم به پرسش اول شما. بهتر اسـت حداقل فعلا این را بپرسید که چه کارهایی برای کودکان و نوجوانان انجام شده است؟ در واپنج این پرسـش فهرسـتی طولانی می‌توان ارائه کرد. به طور مثال اینجا سوخت و حرارت در انتقال اطلاعات خلاصه کرد. نباید از مهارت در منطق دخشف از غافل شد. چه بسا ناولویت مهم‌تر باشد. دوسه قدمه گفته نمی‌کرد‌ار نیسـت. ارزش گذاری بیش از حد برای نظم و یکسـان‌شدن از مواردی اسـت که به سرعت در خصوص آن باید بازنگری کرد و به این باور رسید که جامعه با پذیرش تفاوت‌ها می‌تواند باشد شود. در جامعه‌ای که همه شـبیه هم باشـند، لباس‌ها، خیابان‌ها و از همه مهم‌تر آدم‌ها و ارزش‌گذاری‌های شان شـبیه هم باشـند، پویایی نخواهد بود. به لحاظ فیزیکی نیز محیط مدرسـه و کلاس نباید مانند گذشته باشد و ضروری اسـت تغییر کند. وقتی صحبت از تکنولوژی می‌شود، سـریع به دنبال سـخت‌افزار، پروجکشن و کامپیوتر می‌روند، اما بازی، مهم‌ترین مهارت‌های زندگی، بسـیار مهم‌ترند. مهارت‌های نرم‌مان نیز مهم‌تر از همین چیزها هسـتند که باید به آنها توجه شود. دراین میان آنچه از نظر بنده بیش از هر چیز دیگری فری ضروری به نظر می‌رسد، پرورش مهارت‌های نرم است.

به نظر می‌رسد در آینده هوش مصنوعی بسیاری از مشاغل را حذف کند. از طرفی در جامعه نوعی بی‌میلی به رشته‌های قدیمی دانشگاه‌رشته‌های مصنوعی، مهارت‌های نرم از اهمیت بیشـتری برخوردار می‌شـوند، اما منظور از مهارت‌های نرم چیسـت؟ چطور باید این مهـارت به کودکان آموزش داده شـود؟ نقش آموزش‌وپرورش در این زمینه چیست؟ اینها بخشی از سؤالاتی اسـت که برای پاسخ به آن سـراغ میلاد حسینیان، مدیرمسئول مؤسسه فرهنگی دکسا رفته‌ایم؛ مؤسسه‌ای که بخشی از فعالیت‌های آن مربوط به آموزش با هدف افزایش انعطاف‌پذیری شناختی و تمرکز بر پرورش مهارت‌های نرم به خصوص برای کودکان است.

ارزش گذاری بیش از حد برای نظم و یکسان‌شدن از مواردی است که به سرعت در خصوص آن باید بازنگری کرد و به این باور رسید که جامعه با پذیرش تفاوت‌ها می‌تواند باشد شود. در جامعه‌ای که همه شبیه هم باشند، لباس‌ها، خیابان‌ها و از همه مهم‌تر آدم‌ها و ارزش‌گذاری‌های شان شبیه هم باشند، پویایی نخواهد بود. به لحاظ فیزیکی نیز محیط مدرسه و کلاس نباید مانند گذشته باشد و ضروری است تغییر کند

فرن ۱۹

فرن ۲۰

فرن ۲۱

عکس‌هایی در کلاس درس در قرن ۱۹، ۲۰ و ۲۱ نکات مهمی را نشان می‌دهد اینکه کلاس قرن ۲۱ اصلا جهت ندارد! همه به سمت معلم نشسته‌اند! اتونومی دانش‌آموز کاملا مشخص است. نمونه‌های موفق با شیب تغییرات مناسب را می‌توان در بسیاری از کشورها دید و باید خط بطلانی بر این آموزش‌های مستقیم کشید و نباید از اهمیت روش‌ها و تکنولوژی‌های جدید آموزشی غافل شد

یارها این صحنه را که معلم، والد یا جامعه از ادبیات محاوره یا سطح گفتمانی یا اطلاعات کودک یا نوجوان شگفت‌زده شده‌اند، تجربه کرده و دیده‌ایم. تأثیر فضای مجازی احتمالاً از تأثیر صنعت چاپ در قرن ۱۹ به نظر می‌رسد بیشتر است و ما را با مسائلی جدید مواجه کرده است که تا پیش از آن مواجه نبوده‌ایم، بنابراین مجبوریم در خصوص همه ساختارها، فرایندها و منابع به سرعت بازاندیشی و بازنگری کنیم

چه چیزی به سمت تمرکز بر پروش این مهارت رفته‌اید؟

بیردرآیم. ما باید عمیقانه این باور برسیم که در دنیای امروز دیگر صرفا دانسـت اصلا کافی نیسـت و باید نکات کلیدی‌تر مواجه شویم که مهارت‌های نرم‌مان از ارتقاء مشـخص‌شـتن کارهاد در آن دوران است و احتمالا دانسـت، راه به جایی نمی‌برد. این تعامل فقط با دسوسیه تعریف شود. ضروری اسـت واقع‌بینانه و نه بدبینانه عملکرد خود را رصد کنیم؛ اینتایج مهارت‌های ما در مدارس، جایگاه و اهمیت خودم را نوشـته اسـت برای مخاطب خود مشـخص کند؟ یا تواندندی اجتماعی ما خوب شکل گرفته اسـت؟ چقدر مفهوم مسـئولیت اجتماعی در این ساختار درست کار می‌کند؟ یکی از مشـکلات کشـور، تعیین‌ارث در جهان بسـیار زیاد شده اسـت. در مشـاغل و سـازمان‌های کوچک یا خاص هم گفتم که اجتماعی از عمل چیسـت؟ چقدر با آنچه در مرزهای ملی می‌گذرد، نزدیک اسـت؟ این فهرسـت سـؤالات گفتمانی اسـت و هر کدام عمق خاص خود را دارد و بنی بازمی‌گردم به پرسش اول شما. بهتر اسـت حداقل فعلا این را بپرسید که چه کارهایی برای کودکان و نوجوانان انجام شده است؟ در واپنج این پرسـش فهرسـتی طولانی می‌توان ارائه کرد. به طور مثال اینجا سوخت و حرارت در انتقال اطلاعات خلاصه کرد. نباید از مهارت در منطق دخشف از غافل شد. چه بسا ناولویت مهم‌تر باشد. دوسه ق